

متن سخنرانه آقامه دکتر اسداله تیموری رئیس همایش و رئیس محترم دانشگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در ابتدا بر خود لازم می‌دانم از همه همکاران ارجمندی که برای شکل‌گیری اولین همایش گام برداشته و با پی‌گیری مجدانه و خالصانه این فعالیت ارزشمند را به گام دوم و برپایی این همایش رسانده‌اند، قدردانی نمایم. امید که ثمرات این خیر بزرگ موجب گسترش پیام معنوی این همایش شود. هم‌چنین از توجه و محبت فرهیختگان و نخبگان علمی حوزوی و دانشگاهی که با ارائه مقاله بر وزن علمی همایش افزودند سپاس‌گزاری می‌نمایم. قرآن کریم، کتابی است که در مجموع کائنات عالم استثناست؛ منحصر به فرد است. همه چیز عالم در قرآن نهفته و جمع شده است. ولی زبان قرآن نوعاً زبان مجمل است و کلیات فراوانی در آن به کار رفته است. این قرآن که ظاهرش زیبا و باطنش عمیق است و به معنایی هم دست‌یافتنی و بسیار کاربردی است و هم در عمق دست‌نیافتنی و ناپیدا است باید توسط کسانی زیبایی قرآن در اختیار و در محضر عموم مردم قرار گیرد. بر این اساس پیامبر مهربانی و رحمت حضرت محمد ﷺ به عنوان بزرگ‌ترین انسان تاریخ در حدیث ثقلین از قرآن و عترت به عنوان امانت‌هایی که از خود به جا گذاشت، یاد می‌کند. حدیث ثقلین از احادیثی است که اهل سنت و شیعه، هر دو با سندهای متعدد از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند.

پیغمبر اکرم ﷺ بارها در طول زندگانی خویش به ویژه در روزهای پایانی عمر خود، مسلمانان را به دو چیز، قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) سفارش کردند و راه سعادت ملت اسلامی را در پیروی از این دو با هم دانستند. امروزه بیش‌تر مصایب امت اسلامی در این است که گروهی بین این دو امانت بزرگ جدایی انداخته‌اند به صورتی که عده‌ای از مسلمانان به دنبال قرآن رفته و اهل بیت (علیهم‌السلام) را کنار گذاشته‌اند و عده دیگر نیز اهل بیت را گرفته و قرآن را رها کرده‌اند که همه ما وظیفه داریم در برقراری پیوند بین این دو امانت سعی وافر نماییم. باید پذیرفت قرآن کامل‌ترین کتاب و مرجع علمی برای تمام ادوار و اعصار می‌باشد که هر کسی به اندازه فهم خود در دوره مختلف تفسیری از آن را ارائه می‌دهد و داده‌های علمی آن را استخراج می‌کند؛ اما چگونه است با وجود چنان عظمتی در این کتاب، پیامبر ﷺ از گروه عظیمی از مسلمانان به پیشگاه خدا شکایت می‌برد که این قرآن در میان

امت مهجور و به دست فراموشی سپرده شده است؛ در حالی که قرآنی که رمز حیات است و وسیله نجات، قرآنی که عامل پیروزی و حرکت و ترقی است، قرآنی که مملو از برنامه‌های زندگی است. قرآن را رها ساخته و حتی برای قوانین ابتدایی مدنی و جزائی دست به سوی دیگران دراز کرده‌اند.

هم اکنون، اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی، مخصوصاً آنها که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند، نظر بیفکنیم، می‌بینیم قرآن در میان آنها به صورت یک کتاب تشریفاتی درآمده است، تنها الفاظش را با صدای جالب پخش می‌کنند، در کاشی‌کاری‌های مساجد به‌عنوان هنر معماری است، برای افتتاح خانه نو یا حفظ مسافر، شفای بیماران و حداکثر برای تلاوت، به‌عنوان ثواب از آن استفاده می‌کنند. حتی گاه که با قرآن استدلال می‌نمایند، هدفشان اثبات پیش‌داوری‌های خود به کمک آیات با استفاده از روش انحرافی تفسیر به رأی است. در حالی که قرآن هم طرح می‌دهد و هم شیوه اجرا و الگو معرفی می‌کند، هم تشویق دارد، هم هشدار می‌دهد، هم برای خواص نکته‌ها دارد، هم برای عوام، هم غیب دارد و هم شهود، هم عوامل عزت و هم عوامل ذلت را مطرح می‌کند. از حضرت امام رضا (علیه‌السلام) روایت کرده‌اند که فرموده‌اند: خداوند قرآن را برای زمان خاصی نازل نرمود و همین‌طور برای مردم معینی نفرستاد، زیرا قرآن در هر زمانی جدید و تازه است، و برای هر قومی تا قیامت نوآوری و خرمی و شادابی دارد. مورد دیگری که باید مدنظر قرار گیرد آن است که از پیامدهای دنیای مدرن، بروز بحران و عدم تعادل و توازن در زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی و ارزش‌های معنوی است. انسان مدرن با اصالت دادن به رشد اقتصادی و مادی از معنویت و مذهب دور شده و در رویارویی با انواع مخاطره‌ها و ناامنی‌ها، احساس بی‌هویتی، تنهایی، خلأ معنوی و بد اخلاقی مواجهه شده است. تفکر مدرن با تقلیل دادن ادراکات به

سطح ذهنی، کمی و تجربه‌پذیر، هرگونه ارتباط معنوی انسان و جهان هستی با مبدأ غیبی را نادیده می‌انگارد. به عبارت دیگر، هرگونه ارتباطی میان خدا و جهان را نفی کرده است. موضوع ارتباط یا جدایی بین علم و معنویت از گذشته وجود داشته و در حال حاضر نیز منشأ بحث‌های فراوانی بین اندیشمندان است، از این‌رو، در جهان فراروی ما به علت داشتن روح تنازع در همه سطوح معنوی، فکری و مادی، زمینه پیوندهای مشترک علم و دین کمرنگ شده است در این میان افرادی که درصدد توسعه صلح و هماهنگی امور در سطوح مختلف معارف بشری و دینی هستند، غالباً به توافق و همگرایی بین علم و معنویت می‌اندیشند، زیرا به خوبی می‌دانند که هرچند انسان با قوای علم (عقل) می‌تواند بر بسیاری از علوم مادی فائق آید و مجهولات آن را کشف کند، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند با یکی از این دو قوای نیرومند بر اسرار خلقت و آرامش درونی خود دسترسی یابد.

در واقع، رنج امروزی جوامع بشری ناشی از تضعیف روح معنوی به عنوان گوهر طلایی در مسائل دینی است. چه بسا در مواجهه با علم، یکی به نفع دیگری مصادره به مطلوب می‌گردد، لذا شایسته است به تناسب علم، معنویت در تعامل با مباحث اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گیرد و از محدوده شخصی افراد فراتر رود. در غیر این صورت با رشد تک‌بعدی، مسلماً عواقب و چالش‌هایی از قبیل خرافه‌پردازی یا خردگرایی مطلق را به همراه خواهد داشت.

آنچه به جهت پرهیز از چنین چالش‌هایی مطرح می‌شود این است که علم با تجربه‌های حسی و امور معنوی با تجربه‌های فراحسی و دینی می‌تواند در معرفت‌زایی فرد، مستقیماً به صورت مکمل یکدیگر مطرح گردند. آنچه بدیهی است علم و معنویت به عنوان دو بال آدمی در کمال انسان لازم و مؤثر است؛ اما باتوجه به مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی شاهد تغییراتی خاص در مؤلفه‌های آن هستیم که پرداختن به این موضوع نیازمند وقت دیگری است. به کارگیری عقل محض و بدون معنویت، پایه تمام باورها را سست و بی‌روح می‌کند بدون آن که بتواند جای امور فزادهدنی فرد را بگیرد. به همین جهت یکی از مهم‌ترین پیام‌های این گونه همایش‌ها توجه به این امر و دریافت این مطلب بوده که دین همان علم است و جدا از آن نیست. جهان امروز زمانی از این چالش‌های عظیم و به نظر درمان‌ناپذیر خارج خواهد شد که بتواند در پرتو دین و راهبری قرآن و ائمه اطهار به صراط مستقیم روی آورد. از خدا بزرگ می‌خواهم همه ما را در پرتو هدایت قرآن و همراه همیشگی و جدایی ناپذیرش اهل بین نبوت (علیهم‌السلام) در مسیر مستقیمی که سرانجامش قرآنی بودن و قرآنی شدن است حفظ نماید. آمین یا رب العالمین.

به امید سلامتی و بهروزی

دکتر اسداله تیموری یانسری

رئیس همایش و رئیس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری